

دو وقف نامه از مازندران

از محمد تقی دانش پژوه

است که مقصود اصلی از آبیاری مزرعه جهان حصول حاصل ذات ملکی صفات اوست، صلوات الله وسلامه علیه و آله و صلوات زاکیات برال و اصحاب آن والاجناب که واقفین موافق خیرات را مرشد و دلیل و سالکین مسالك مبرات را هادی و سبیل اندبار. اما بعد الحمد والصلوة چون دنیای فانی مزرع سرای جاودانی و محل تکمیل نفوس انسانی است، لهذا موفق شده به توفیقات حضرت سبحانی عالی جاه محدث همراه زبده الاشباه کربلانی صفرعلی ناظر سارروی المسکن، و وقف مؤبد و حبس مخلد نمود تمامت محال عشره و املاک مفصله را به جهت تعزیه حضرت سیدالشهداء و امام السعداء ابی عبدالله الحسین علیه و علی ابانه و ابنائه آلف التحیه والثناء و بر اولاد ذکور خود نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن و بر اولاد اناث خود هکذا علی التفصیل آلتی الی ان یرث الله الارض و من علیها قربه الی الله و طلب المرضات الله که همه ساله بعد از تعمیرات و مصالح الاملاک و منال دیوانی آنچه نماآت و ارتفاعات و منافع اعیان موقوفه است در مضارف عشره به طرق مقرره مصروف شود. اما محال عشره موقوفه:

- ۱- از قریه حاجی محله میان دورود دو دانگ از تمام شش دانگ.
- ۲- قریه عالی کنده میان دورود سه دانگ.
- ۳- برارده و گل باغ سه دانگ از هریک یک دانگ ونیم.
- ۴- قریه تبحنک من محال شهر خواست و قفی نیم دانگ از کل شش دانگ.
- ۵- قریه شیخ کلافه محال ساری بن جمیع الوجوه دوسهم ونیم از کل سیزده سهم از شش دانگ.

نخستین وقف مربوط به چند روستا و دکان ساری مازندران است مورخ ۱۲۸۱ که سهمی از این وقف می باید صرف خریدن کتابهای علمی بشود و این خود نکته بسیار جالبی است.

دومی مربوط به چراگاه و زون در روستای رینه لاریجان آمل است مورخ ۱۲۰۵ که سبج های آن تاریخ ۱۲۸۰ و ۱۳۰۳ و ۱۳۱۶ و ۱۳۲۱ دارد و در آن به پاره ای از اصطلاحات محلی درباره تقسیم آب روستای رینه و سال شماری طبری که هنوز در طبرستان معمول است برمی خوریم مانند «هرماه» قدیم که همان خردادماه است و «چشمه» روزه» بیل دسته، آفتاب به نسوا» در تقسیم آب آن روستا که شبانه روز را به بیست و چهار ساعت و شش «چشمه روزه» هریک چهار ساعت بخش می کنند و مدت یکماه را هم به «بنه ماه» و جزان بخش می کنند و در روزهای آفتابی با سایه آفتاب و در شب با اوضاع ستارگان سهم آب هر کشتی را تعیین می کنند و این گونه تقسیم را به میرزا احسان وزیر نسبت می دهند جزئیات این تقسیم آب در قباله های محل منعکس است و باید آنها را خواند و از پیران محل پرسید و تفصیل آنرا نوشت که بسیار جالب است. از دوستانم آقای صفاری و آقای نصیری که این قباله را در اختیارم گذاشته اند بسیار سپاسگزارم.

جوهر حمد و سپاس مزید احساس عقل و حواس و فزون از احصای وهم و قیاس وقف بی منتهای حضرت رب الاربابی است که املاک ملک و ملکوت را بی مساهمت غیر مالک شش دانگ عرصه امکان را حاکم بی انباز و مشارک وحده لا شریک له و سنبله درود نامعدود نثار ختمی مآبی

و در این سر
منافع هر که دانست
صرف نوزید و سواد خود
و بعد از اولاد و کور و کور و کور
و اما از ذکر سزاوار است
شخص عالم بقدر منزلت جایزه نبرد
سده است در هر طبقه سواد پیدا شود

و در این سر
منافع هر که دانست
صرف نوزید و سواد خود
و بعد از اولاد و کور و کور و کور
و اما از ذکر سزاوار است
شخص عالم بقدر منزلت جایزه نبرد
سده است در هر طبقه سواد پیدا شود

نام کتاب
حرام
ان وقف
ما نزدانست
و در این سر
منافع هر که دانست
صرف نوزید و سواد خود
و بعد از اولاد و کور و کور و کور
و اما از ذکر سزاوار است
شخص عالم بقدر منزلت جایزه نبرد
سده است در هر طبقه سواد پیدا شود

خواهر محمد و سپاس زنده است هر عذر و حواس و فموزن را احصای و هم و قیروفت آلائی

باطلاع عالم قیبه صاحب با بر عذر و قیروفت در آن خانه زنده است هر عذر و حواس و فموزن را احصای و هم و قیروفت آلائی

شایسته حضرت رب العالمین است که اهلان ملک و ملکوت را بی مساجت غیر ما شکر کند

عصه کمان با حکم بی انبیا و مشارک و صده شکر کند که و سبند در فو ما معبود و دشمنی بی است که

مقصود اصلی از پاری فرود چشمان حاصل ذات کا صفا است که است که است که علیه و الله

را کلمات برآل و صحاب آن و ابواب که و فشین موقوف خیرات را مرشد لیسل ساکنین که است

هر و سپیل اند با آمت اجداد و الصلواته پنجم سنای فانی از مرغ سراج و دانی و محمل

انسانی است لکن اموش شد بتبرقیات حضرت بحالی علی چه جنبت سراه ربه و الا که بلای صفر علی ما

میرا سکن : نصف بنمود و بس خمله نموتت حمال شده و طاک منضله را بر چه شکر حضرت

و امام السعده ابی عبد الله عیبه و عیبه آباءه و نیا آباءه التجه و لشنها و بر اولاد و کور و کور و کور

الکریم

۶- قریه مفتی کلامن توابع ساری متصل به قریه
بنیچلوی وقفی نزدیک شهر یكدانیک ونیم.

۷- قریه اصطلاح سی اربابی بی منال جنب شهر
ساری مساحت یكدانگ از ششدانگ.

۸- ششدانگ دکان واقعه در میدان پنجشنبه
سمت مدرسه سلیمان خان حدی به دکان حاجی اسمعیل
حدی به دکان حاجی علی جان حدی به میدان پنجشنبه
حدی به مدرسه.

۹- پنج دانگ از دکان واقع در میدان پنجشنبه
سمت خانه میرزا واقف حدی به خانه میرزا محسن و
حدی به خانه میرزا واقف و حدی به میدان پنجشنبه.

۱۰- تمامت یکباب دکان واقع در چهار سوق
شهر ساری ابتداء قیصریه.

اما مصارف عشره: آنکه دو عشر از کل منافع
حق متولی که بعد مذکور می شود علی التفصیل المرقوم
باشد الی یوم الموعود و دو عشر از کل ده عشر اعیان
موقوفه مفصله فوق وقف تعزیه حضرت ابی عبدالله روح
العالمین فداه باشد که منافع آن به توسط متولی صرف
در تعزیه من الشراب و الطعام و غیرهما بوجوه الغزاء در
ایام محرم و صفر شود مادامیکه خانسرای واقف باقی
است درخانه او صرف شود و بدازانعدام خانسرا اختیار
با متولی است درهرجا صرف کند و چهار عشر از ده
عشر وقف بر اولاد ذکور بطن اول واقف است علی التسویه
و چنانچه بعضی از اولاد ذکور فوت شوند و اولاد ذکوراً
وانانا داشته باشند سهام ایشان وقف بر اولاد ایشان
است للذکر مثل خط الانثیین است که اعمام حاجب
نیستند و چنانچه بعضی اولاد فوت شوند و اولادی ذکوراً
وانانا نداشته باشند سهام ایشان وقف بر موجودین در
همان طبقه است و هكذا نسلا بعد نسل که اعمام حاجب
اولاد او نباشند و در جمیع صور در طبقات آخره
سوی بطن اول اولاد حاجب اولاد اولاد است علی الترتیب
و در صورت انقراض جمیع اولاد ذکوراً و انانا از اولاد
ذکور واقف العیاذ بالله. چهار عشر مذکور به تفصیل
مستور وقف است که دو عشر وقف بر فقراء و یک عشر
وقف بر جهت تعزیه حضرت ابی عبدالله علیه آلاف التحية
والثناء و یک عشر وقف بر جهت ابتیاع کتب علمیه است
که متولی ابتیاع نموده وقف بر فرقه ناجیه امامیه نماید

الی یوم القیامة دو عشر از ده عشر اعیان مسطوره وقف
بر اولاد اناث بطن اول واقف است و بعد فوتهن وقف
بر اولاد ایشان است انانا و ذکوراً علی التسویه و الترتیب
بحیث یکون الاولاد مانعاً لاولاد اولادهم. و در صورت
انقراض جمیع اولاد ذکوراً و انانا از واقف بحیث صارف
له العیاذ بالله منقرضاً دو سهم مسطور به تفصیل مذکور
وقف است که یک عشر وقف بر تغزیه حضرت ابی عبدالله
و نصف عشر وقف فقر و نصف عشر وقف بر جهت ابتیاع
کتب علمیه علی التفصیل المذكور اتفافی اولاد الذکور.

اما متولی اعیان موقوفه تولیت مادام حیات واقف
بخود ایشان است و بعد فوته به اکبر اولاد ذکور بطن اول
الاکبر منهم فالاکبر و بعد از انقراض طبقه اولی تولیت به
اکبر اولاد ذکور طبقه ثانیه است. الاکبر فالاکبر و هكذا
در صورت انقراض اولاد ذکور از اولاد ذکور تولیت به
اولاد اناث از اولاد ذکور است. و در صورت انقراض
جمیع اولاد ذکور تولیت به اولاد اناث است نسلا بعد
نسل. و بعد الانقراض الاولاد فی کل الطبقات تولیت به
اعلم و اتقی علمای بلدة ساری است. و در هر طبقه متولی
دو عشر حق التولیه خود را بردارد. و قد جرت الصیفة
الوقف جامعة لشرایط الصحة واللزوم و حصل القبض
والاقباض فصارت المحال العشرة وقفا صحیحاً شرعياً
بحیث لا یباع ولا یوهب فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه
علی الذین یدلونهم ومن تصرف فی تلك الاعیان بغير الوقف
او تغیر شیء فی ذلك فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین
واشهد الله تعالی علی ذلك والله تعالی خیر الشاهدین و كان
وقوع ذلك فی العشر الثالث من شهر رمضان المبارك مطابق
سنة سیحقان ثیل سنة ۱۲۸۱. «علی مع الحق والحق مع
علی» «صفر علی ۱۲۶۵»

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الواقف علی
السرائر المطلاع علی الضمائر والصلوة علی محمد المبعوث
فی کل مافی الباطن والظاهر وآله الماجد فی الملك الملکوت
الظاهر. و بعد الحمد والصلوة، باعث بر صورت نکاری این
صفحة فرح بخشاو موجب چهره آرای این لوحه دلگشا آن
است که توفیق سعادت یاور بخت شرافت مددکار جماعت
اهالی قریه رینه لاریجان گردیده که در دهر عاریه سرای
فانی و در کشت زار مزرعه دنیای دنی تخم سعادت کشته اند
که در عقبات عقبی موجب دستگیری و رفع شرمساری

گردد. پس عهده خیرات و اکرام طاعات صدقه جاریه است که موجب نام بلند و مقام ارجمند است. ولذا اشخاص مفصله ذیل املاک مزروعی و غیره که بعد مذکور میشود، وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمودند و تولیت آنها را مالکین و وارثین و حکام شرع مبین و فقهاء خجسته آیین من باب ولایت شرعیه مفوض نمودند به عالی جناب شامخ القاب آخوند ملاجعفر قلی و بعد به اولاد او نسلا بعد نسل و بعد از انقراض آن سلسله به اعلم و اورع قریه رینه که هر ساله منافع املاک را متولی صرف تعزیه داری حضرت ابی عبدالله الحسین روحی فداه در تکیه رینه نمایند و سدس منافع املاک موقوفه را واقفین و مجتهدین به رأی متولی مذکور برقرار نمودند که در عوض زحمات و تصرفات املاک موقوفه و اخذ اجارات آنها سدس از کل منافع مال متولی باشد. پس اولیای ذوات شرع و عرف ظاهر و هویدا باشد بر اینکه املاک مرقوم ذیل که وقف جناب خامس آل عباس است حکام شرع و عرف را مداخله در آن بی اذن متولی جایز نیست تصرف املاک مذکور باید متولی مزبور نماید. چون مالکین و مجتهدین جناب آخوند ملاجعفر قلی را و بعد اولادش را بطنا بعد بطن متولی قرارداد تغییر و تبدیل غلط است، و حکام شرع و عرف و غیره نباید خلاف کنند، و به حیل و تدلیس املاک موقوفه از وقفیت بیرون نبرند، واقفین و وارثین طمع در آن نمایند، و بدون اذن متولی در آن املاک کشت و زرع نمایند. مجمل آنکه اذن متولی رادر هر مواد تصرف شرط بدانند. هر کسی که انحراف ورزید به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار و خصم ایشان حضرت شهید کربلا باشد. هر ساله باید متولی مذکور منافع املاک را ضبط و جمع نماید در ایام عزا صرف تعزیه در تکیه رینه بای نحو شاء نماید و مختارالتصرف متولی میباشد.

املاک این است:

(۱) مقرب الخاقان سردار برای سعادت و فوز دارالقرار ده تومان مالیات چرا خورکوه رینه را وقف تعزیه فرمودند. باجیه کوه رینه علاوه از ده تومان اگر

به عمل آید بازوقف تکیه رینه خواهد بود.

(۲) زمین موسی شش من ری مع آب که یک چشمه روزه است آب آن بیست دویم «هرماه» قدیم است از «بیل دسته تا» «آفتاب برودنوا».

(۳) زمین ملاعلی جان سه من ری، کربلایی خان زاده سه من ری که ثواب آن مال سکینه بانو باشد، آب آن در ششم «هرماه» قدیم آب پر نماید.

(۴) زمین الله قلی کفشگر دومن ری آب پر نماید.

(۵) طاحونه بالاحق سکینه بانو وقف است در دو

ماه اجاره آن چهار من ری آرد است که باید محرم خرج تعزیه خان (خوان) شود.

(۶) زمین یادگار سه من ری آب پر نماید.

(۷) زمین محمد قلی محمد شاه دومن ری آب پر نماید.

(۸) زمین حاجی آقا بابا یک من ری آب پر نماید.

۱۲۵ (= ۱۲۰۵)

موافق مضمون مسطوره مرقومه متن منافع و منافع و مال الاجاره موقوفات بر حسب وصیت واقف باید در وجه عالی جناب ملاجعفر که از نواده و اسباط مرحوم ملاجعفر قلی است همه ساله عامر گردد که بتواند معزی الیه به مصرف روزه (روضه) خوانی و تکیه و حسینیه برسد واحدی نباید مداخله کند شهر رمضان ۱۳۳ (= ۱۳۰۳)

«سیف الملک»

مقرر آنکه چون سردار برای فوز دارالقرار دو تومان بازیا ده از مالیات ده رینه را در حال حیات وقف تعزیه داری تکیه رینه، حضرت معدلت سیرت مقرب الخاقان سر تیب دام اقباله ده تومان مالیات رینه را هر ساله واگذار به متولی مذکور نموده که صرف تعزیه داری در تکیه رینه نمایند که ثواب آن... (سفید مانده) و سیادت مآب سیدعلی چهار من زمین مزروعی راعم آب که در بست سیم «هرماه» است مشروب شود وقف نموده و تولیت آنرا به عالی جناب علامی آخوند ملا میرزا مفوض داشته تا واضح باشد.

این قباله صحیح است و باید از این قرار عمل

بر اجماع در این باب

در طبقات امره سومی بن اول و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد
و اما از اولاد ذکور و وفات لعیا ذبانه چهار عشره مذکور مطهره و وفات که در حدیث
و یک عشره و وفات برجه ثبیر حضرت ابی عبد الله علیه السلام و اثنا و یک عشره و وفات برجه
استماع کتب عدیه است که متولی استماع نموده و وفات بر فرقه چلما میباید الی یوم القیمه عشره از
دعیه خجایی طور و وفات بر اولاد اناث لطن اول و انث و بعد فوتن و وفات بر اولاد اناث
اناث و ذکورا علی السویه و اگر هیچ کس نباشد بکون الاولاد لعیا لا اولاد اولاد و در صورت فقر
جسیع اولاد ذکورا و اناث از اولاد اناث و وفات بر هم ایشان و وفات بر اولاد اولاد ذکور و وفات
اناث و ذکورا در صورت فقر من جمیع اولاد ذکورا و اناث از وفات کجی صاندلعیا ذبانه مفرضا
و هم مطهره مذکور و وفات که یک عشره و وفات بر ثبیر حضرت ابی عبد الله و انث
و وفات بر فرقه انث عشره و وفات بر جمیع استماع کتب عدیه علی مطهره مذکور انفا فی اولاد الذکر اما

متولی اعیان و وفاته تولیت مادام حیات و اقب خود ایشان و بعد فوت

با کبر اولاد ذکور لطن اول اکبر منهم فا کسبه و بعد از فقر طبقه اولی تولیت کبر اولاد ذکور
ثانیست الاکبر فا کسبه و بعد از فقر طبقه اولی تولیت کبر اولاد ذکور
از اولاد ذکور است در صورت فقر من جمیع اولاد از اولاد ذکور تولیت با اولاد اناث است
و بعد از فقر اولاد ذکور فی کل طبقات تولیت علم و اقبی علمای مکه ساری است و در هر طبقه متولی
حق التولیه خود را بردارد و قد جرت الصیغه الوفا فانه شرط الیه و ان ذوم و حصر بعضی و اولاد

ضمایر المال عشره و صحیحاً شرعیاً کجی پلاع و لا یومر بمن بدله بعد ما سمعه فانما
انته علی الذین سبذونه من انصرف فی ملک اعیان بعد از
او تغییر شایسته در آن فلیه لعنه الله و الملائکه و السان
و همدار علی ذلک و اذاعت الی آخره
و کان وقوع ذلک فی المعشره الثالث
من شهر رمضان المبارک سنه
۱۲۸۱

شود و خلافتی ندارد فی شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۳ (= ۱۳۰۳) «میرزا محمد ابن عباس قلی»

حرره الاحقر محمد باقر اللاریجانی «عبد محمد باقر»

بسم الله تعالى. بانکه فعل تولیت به اولاد بطنا بعد بطن علی التحقیق دلالت بر تشریک اولاد عرضیه ندارد بلکه عرضا تولیت روی عنوان ولد میرود و هر که قائم مقام شده است برای تصرفات تمحض در ولایت دارد مع ذلك میرزا احمد که یکی از اولاد عرضیه متولی اول است و با جناب ملاعلی جان در عرض واقع شده در محضر به حسب وکالت حق موهومی خود را واگذار نموده است بهمان ملاعلی جان پس جناب ملاعلی جان مستقل است در امر تولیت. من الاحقر احمد الاسکی «یا احمد»
قد صبح جمیع مارقم فی الوریقة وانا العاصی الجانی
«عبد محمد صادق الموسوی ۱۲۵»
قد صبح مما سطر به المتن من البدوالی الختم لیدی
الاحقر (مهر ناخوانا)

بسم الله تعالى شأنه این وقفنامه در نهایت اعتبار و اتفاق است لاسیما نظریه خط و خاتم شریف خلد آشیان عمی العلام مرحوم مغفور آقای ملامحمد صابر عطرالله مرقدہ لذا نظر به سند معتبر ایشان عمل به مضمون وقف نامه واجب و لازم است. حرره الاحقر فی شهر ذی قعدة الحرام من ۱۳۳ (= ۱۳۰۳) «المتوکل علی الکریم ابوطالب بن محمد ابراهیم» مضمون مسطور من البدایة الی النهایة موافق واقع میباشد حرره الجانی «عبدہ فصل الله ابن جعفر ۱۲۸۷»

بلی جمله املاک موقوفه مرقومه باید در تصرف جناب مستطاب آخوند ملا میرزا و فقه الله تعالى بوده منافع اورا علی مقرر فی الورقة صرف تغزیه داری خامس آل عبا علیه آلاف التحية والثناء نماید و هكذا مقرر مرحوم میرورجنت مکان عباس قلی خان سردار و بر قراری مقرب الخاقان عالی جاه عباس قلی خان ثانی باید در تصرف جناب مشارالیه بوده در وجه مزبور صرف و خرج نماید. قد حرر ذلك بیده الجانیة فی اوخر شهر ذی قعدة الحرام سنة ۱۲۸ (= ۱۲۸۰) «الوائق بالله الغنی عبده حسن الحنی ۱۲۶۹»

چون املاک مرقومه را مالکین و مجتهدین وقف خاص تکیه رینه کردند و تولیت آن را به جناب مرحوم ملا جعفر قلی مفوض کردند حال نیز آن املاک تولیت مفوض به شمس الفلک المهدیة علامی آخوند ملا میرزا میباشد غیر ایشان مداخله در آن املاک شرعا نمی توانند والسلام «لا اله الا الله الملك الحق المبين مهدي الموسوی»
۱۲۸۶ «عبدہ الحسین الحسینی الموسوی» بسم الله وله الحمد نظر به خط و ختم شریف علمای اعلام و فقهای عظام عطرالله مرقدہ هم این وقف نامه در کمال صحت و اعتبار است، عمل به مضمونش حسب المسطور واجب و لازم است و السلام علی من اتبع الهدی و نهی النفس عن الهواء حرره بیده الجانیة فی واسط شهر صفر المظفر ۱۳۱۶ «العبد محمد حسن» الامر کمارقم و سطر فی الورقة وانا العبد الاحقر «عبدہ الراجی جعفر الموسوی ۱۲۷»
مضمون وقف نامه مانعی از صحت ندارد و تولیت املاک موقوفه مفوض است به اولاد مرحوم ملا جعفر قلی.

هو الله. این وقف نامه در نهایت صحت و کسی را حق صحت نیست و سدس را هم از تمام ملک و قف باید متولی اخذ بنماید و کسی را حق ممانعت نیست مگر به اجازة متولی حی ۱۳۲۴ «... هو الحق علی محمد ۱۳۱۲» (مهر درست خوانده نمیشود)

قد صبح و اتضح المسطور فی هذه الورقة بالصدق و الصواب وانا الجانی «عبدہ الراجی نصر الله الموسوی ۱۲۵۱» پوشیده نماناد که مالکین املاک مرقومه متن را وقف کردند و صیغه وقف را علما جاری کردند و واقفین و مجتهدین متولی را جناب ملا جعفر قلی را قراردادند پس از آن اولاد راه و من بدله له اثم عظیم «عبدہ الحسین الموسوی» «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده مهدي الموسوی ۱۲۸۶»

به غیر از ایشان کسی نیست لذا باید مادام حیوة ایشان
 مع بقای شرط ولایت وقف در ایشان تمام سدس منافع
 مزبور عائد ایشان شود و مزاحمت احدی مشارالیه را در
 این باب حرام است. الفانسی احمد الاسکی شهر رجب
 ۱۳۲۱ «یا احمد ۱۳۰۲»

بسم الله تعالى. صحت این وقف بر هیچ مسلمانی خفی
 نیست و سدس تمام منافع اعیان موقوفه مسطورة متن
 قطعاً مال خاص متولیین مرقومین است و در این جزء از زمان
 چون جناب مستطاب آخوند ملا جعفر قلی به جعل واقف
 متولی اعیان موقوفه است و ولد اتصالی متولی اول چون

کتابخانه معارف اسلامی



شوریه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی